

شطرنج جهانی در دوران اوباما- ۲

در دوران اوباما جهان شاهد کدام سمت گیری امریکا خواهد بود؟

روزنامه چپگرای «یونگه ولت» آلمان
ترجمه عسگر داوودی

در کتاب منتشر شده در سال ۱۹۷۷ توسط برژینسکی با نام «میزبزرگ شطرنج» که به کتاب دیدگاهی او شهرت دارد، برژینسکی با دیدی عمیق و با علاقه ای وافر قدرت سیاسی آمریکا را بررسی می کند. در این کتاب تحلیلی ارائه شده است که بر مبنای این تحلیل اگر آمریکا اقدامات ضروری برای بقا خود را به عرصه عمل در نیآورد تا حدود ۳۰ سال بعد از انتشار این کتاب تسلط ژئوپلیتیکی خود را خواهد باخت. به دیگر سخن آمریکا بخش های اصلی جغرافیای بین المللی تحت تسلط خود را از دست خواهد داد.

در نتیجه فروپاشی این تسلط «اروآسیا بعنوان برنده بازی میدان سیاست، بعنوان یک نیروی بالنده ظاهر خواهد شد.» (ص ۵۷) در جمله بعدی برژینسکی ظهور این قدرت "ارو آسیائی" را توأم با تسلط جهانی آن پیش بینی می کند: «این صحنه بزرگ بازی شطرنج سیاسی اورو آسیائی که از لیسبون تا ولادی وستوک پهن خواهد بود، مرکز بازی سیاست بین المللی آینده خواهد بود.» (ص ۵۴)، «در عین حال که هم اکنون نیز یک بازیگر سیاسی اوروآسیائی در صحنه سیاسی مذکور در مرحله ما قبل قدرت وجود دارد.» (ص ۶۴) زمینه عینی ظهور این قدرت را وجود ۷۵٪ جمعیت دنیا و منابع سرشار انرژی در منطقه ارو آسیا فراهم می کند. [...]

برژینسکی می نویسد: [...] در نتیجه، اولین هدف سیاست خارجی آمریکا باید طور تنظیم شود که: «هیچ دولت و گروهی دارای آن استعداد نباشد که آمریکا را از اروآسیا بیرون کرده و یا نقش حکمیت آن را در منطقه زیر سوال ببرد.» (ص ۲۸۳) «ارزش آن را دارد که خطر بروز ناگهانی یک قدرت جدید در منطقه به تعویق انداخته شود.» (ص ۳۰۴) «سیاست آمریکا باید اهداف زیر را در نظر داشته باشد: «مناطق تسلط فعلی آمریکا حتی برای یک نسل دیگر و حتی برای زمانی طولانی تر حفظ شوند» لازم است «تا از رشد و ترقی رقبا و دستیابی آن ها به قدرت جلوگیری شود.» (ص ۳۰۶)

این تصمیمات با گذشت ده سال از انتشار کتاب برژینسکی و روی کار آمدن دولت بوش البته سوال بر انگیز است. در سال گذشته او با انتشار کتاب جدیدش «شانس دوم» امکان کوشش برای دسترسی آمریکا به یک تسلط دائمی بین المللی را مکمل نظریات قبلی خود کرده است. برژینسکی - همانند اوباما - به طور مشخص بر نقش اروپا در مبادلات سیاسی موجود تاکید کرده است. اروپای دارای سمت گیری به ماورای بحار نقش یک پل ارتباطی را به سمت «ارو آسیا» ایفا می کند. (ص ۹۱) منطق مذکور تاکید می کند که تا گسترش اتحادیه اروپا به سمت اروپای شرقی تامین شود.

این دیدگاه تسلط آمریکا بر آسیای مرکزی را ضروری دانسته و بردستیابی به قدرت قبل از موفقیت رقبا سیاسی تاکید می کند. بدین ترتیب هسته سیاست ژئوپلیتیک آمریکا در اروپا از قرار زیر خواهد بود: «توسط یک همکاری ماورای بحار با اروپا، باید پل ارتباطی آمریکا بامنطقه «اروآسیا» چنان بر قرار شود که تا اروپای در حال رشد به تخته پرش آمریکا به

«اروآسیا» مبدل شده و بدین وسیله دموکراسی و همکاری مورد نظر آمریکا در «اروآسیا» گسترش داده شود» (ص ۱۲۹)

برژینسکی در سال ۱۹۹۷ می دانست که حتی در صورت موفقیت این طرح عمر قدر قدرتی آمریکا طولانی خواهد بود. به همین دلیل نیز او متذکر شد که وجود آرامش نسبی بین المللی می تواند کوتاه مدت باشد. (ص ۳۰۳). به همین دلیل نیز او بر آمادگی تسلط طولانی مدت بر حوادث بین المللی تاکید می کند: «سازماندهی تسلط دائمی سیاسی بین المللی» (ص ۳۰۵). او در این رابطه حتی به یک «سیستم امنیتی ماورای اروآسیا» نیز تاکید می کند (TSEE) «(ص ۲۹۷) که با همکاری همکاران بخش آسیائی ناتو در اتحاد عمل با روسیه و ژاپن. چین «منطقه ارو آسیا» را پوشش می دهد در این سیستم امنیتی اروپا ضلع سوم این مثلث را تشکیل می دهد. مثلثی امنیتی که تحت سیادت و کنترل آمریکا که پایه ریزی همکاری ها را در منطقه اروآسیا امکان پذیر می کند. (ص ۹۱)

منظور از سیستم امنیتی ماورا اورآسیا چیست؟ این نظر می تواند با دیدگاه شخصیت های سیاسی کشور های دیگر نیز مرتبط باشد، زمانی که ما آن را با سخنرانی «ولادیمیر پوتین» در چهل و سومین کنفرانس سیاست امنیتی مونیخ (۱۰ فوریه ۲۰۰۷) مقایسه می کنیم. پوتین بر سیاست پس از جنگ سرد ایالات متحده که یک «دنیا تک قطبی» را منعکس می کند، معترض است: «جهان تک قطبی که بعد از پایان جنگ سرد پیشنهاد می شد، عملی ناشدنی است. جهان تک قطبی به چه معناست؟ متاسفانه اما در مقطع فعلی و در عمل يك مرکز قدرت و يك مرکز تصمیم گیری وجود دارد. جهانی با یک حکمران».

پوتین همچنین گفت: «در نتیجه ی وجود یک سیستم تک قطبی ما شاهد توسل لجام گسیخته و مهار نشده زور در امور بین المللی هستیم. اموری که جهانیان را به ورطه مناقشات پی در پی می کشاند. امکانات و نیرو برای حل و فصل چنین مناقشه ای کفایت نمی کند و حل و فصل سیاسی این مناقشات نیز عملاً غیرممکن می شود. ما شاهد نادیده گرفتن فزاینده اصول اساسی حقوق بین الملل هستیم. بعضی از موازین حقوقی و در واقع تمام نظام حقوقی يك کشور یعنی ایالات متحده، در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی و انسانی از مرزهای يك کشور پا فراتر گذاشته و به دیگران تحمیل می شود. چنین موضوعی میتواند مورد پسند دیگران باشد!؟»

روس ها سیاست خارجی آمریکا را بدرستی این گونه درک می کنند: همانگونه که برژینسکی پیشنهاد می کند، آمریکا می کوشد تا حیطة نفوذ خود را در قاره آسیا مرتباً توسعه دهد. «اتحادیه اروپا» وظیفه همکاری در این رابطه را بعنوان بخشی از ارو آسیا پذیرفته است و کوشش می شود تا از اروپای شرقی به عنوان یک تخته پرش جهت رسیدن به این هدف استفاده شود. متحدین اتحادیه اروپا در اروپای شرقی، متخصصین ناتو و بعضی از کشورهای سابق شوروی مثل گرجستان، آذربایجان، اکراین و ازبکستان در حال آموزش و تمرین برای راه اندازی چنین پروژه ای هستند.

شرایط آمریکا برای این آموزش و تمرین به کشورهای مذکور این است که آن ها باید دروازه های خود را برای ورود سرمایه غربی باز گذاشته و با تعبیرات حقوقی غرب هماهنگ باشند، در چنین شرایطی غرب امنیت استخراج طلای سیاه را تضمین کرده و از طریق روانگردانی رسانه ای بر افکار عمومی چنین کشور هائی مسلط می شود.

بخش اصلی نظریات برژینسکی زمانی بیشتر معنی پیدا می کند که در مناطقی چون دریای خزر که دومین ذخیره نفت و گاز دنیا را در خود ذخیره دارد، بویژه در جمهوری آذربایجان مراکز عظیم استقرار نیرو های نظامی آمریکا بر پا می شود و با استقرار مدرن ترین تجهیزات نظامی، استراتژی ژئوپلیتیکی آمریکا در ارو آسیا به واقعیت مبدل می شود.

با همکاری متحدین آمریکائی در اوپک کشور های مثل کویت، عربستان سعودی، امارات متحده، قطر و کشور هائی چون عراق و افغانستان آمریکا قادر خواهد بود تا از طریق آسیای

مرکزی و در نهایت از طریق ارو آسیا هژمونی سیاسی خود را بر چین و روسیه تحمیل کرده و «ساختار امنیتی» مورد نظر برژینسکی را مستقر کند. توسط نفوذ نظامی رشد یابنده ناتو در شرق اروپا که بوسیله اتحادیه اروپا اعمال می شود و اعمال تهاجم نظامی آمریکا در جنوب آسیا (عراق و افغانستان)، از سرمایه گذاری نظامی به مثابه یک ابزار شکاف افکن جهت اعمال نفوذ در منطقه بهره مند و استراتژی ژئوپلیتیکی «ارو آسیا» به پیش رانده می شود.

موفقیت در ایجاد آنچه که از منطقه ارو آسیا مورد نظر غرب است، زمینه اعمال سلطه بر تمامی قاره های دنیا را از آمریکای لاتین تا آفریقا از استرالیا تا تمامی کشور های جزیره ای، طرح های بعدی برژینسکی رابه واقعیت تبدیل خواهد کرد.

همزمان با تئوریزه کردن دیدگاه های بالا توسط برژینسکی آمریکا در سطح بین الملل با شکست های سیاسی مواجه شده است. برژینسکی با وجود این که در کتاب اخیرش «شانس دوم» اعتراف می کند که اشغال نظامی بعضی کشورهای خاورمیانه با ناکامی مواجه شده است، اما این شکست ها را در حدی ارزیابی نمی کند که بر تئوری ژئواستراتژیکی «ارو آسیا» که او در سال ۱۹۹۷ آن را طرح ریزی و پیشنهاد کرده، آسیبی برساند.

اوحتی تحرک نظامی موجود آمریکا را در جنوب «ارو آسیا» موافق نظر خود برای نفوذ پیمان نظامی ناتو از طریق شرق اروپا ارزیابی می کند و معتقد است که پس از ایران روسیه نیز به شبکه مورد نظر آمریکا خواهد پیوست.

راه توده ۲۰۴ ۲۰۰۸، ۱۲، ۰۱